

آشنایی با منابع معتبر شیعه

رَوْضُ الْجَنَانِ وَرَوْحُ الْجَنَانِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ

مشهور به

تفسیر شیخ ابوالفتح رازی

عبدالکریم پاک نیا تبریزی

شیخ ابوالفتح رازی است - از جهت فصاحت و پردازش عبارت، توجه به نکات مناسب تفسیری، ترجمه دقیق آیات، آزاد اندیشی در بهره‌گیری از روایات مخالف و موافق، نقل اقوال مختلف و گزینش مناسب‌ترین آنها و دفاع منطقی و به‌جا از مذهب شیعه، بر تمامی تفاسیر فارسی تشیع برتری دارد. با اینکه مؤلف اصالتاً از نژاد عرب می‌باشد؛ اما اثر زندگی و سکونت دراز مدت در ایران، در زبان فارسی تبخّر کامل یافته و این یادگار جاویدان فارسی را آفریده است.

تفسیر «رَوْضُ الْجَنَانِ وَرَوْحُ الْجَنَانِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ» مشهور به تفسیر شیخ ابوالفتح رازی، از شاخص‌ترین آثار تفسیری و مهم‌ترین منابع معتبر تفاسیر شیعه و سنی به شمار می‌آید. این تفسیر ارزشمند و قدیمی شیعی به زبان فارسی است که موضوعات: اخلاقی، فقهی، تفسیری، ادبی و تاریخی را در توضیح و تفسیر آیات الهی مورد بحث قرار داده و به همین جهت، مورد استفاده فقها، محدثان و مشتاقان علم و ادب قرار گرفته است. این کتاب - که معروف‌ترین اثر

تا ناس، آورده و به صورت زیرنویس و لفظ به لفظ به فارسی استوار و پاکیزه‌ای ترجمه کرده است، آنگاه از ابتدا، پس از ذکر بخشهای کوتاهی از آیات، به تفسیر و شرح لغوی، صرفی، نحوی، فقهی و کلامی آن پرداخته و در هر مورد، اقوال و آرای مفسران، نحویان، لغویان، فقها و متکلمان را با استفاده از منابع متقدم ذکر کرده است. در این کتاب، اشاره‌های تاریخی، قصص، حکایات، تمثیلات و مباحث فقهی نیز آمده است. مباحث تکراری در آیات به موارد قبلی ارجاع شده است و خود مؤلف نیز به این نکته اشاره دارد. مباحث ذوقی، ادبی و عرفانی نیز بیش و کم در خلال بخشهای تفسیری آن مطرح شده است.

برای آشنایی با سبک نگارش تفسیر ابوالفتوح رازی و متن آن، چند سطر از مقدمه کتاب را می‌خوانیم: «سپاس خدای را که برآورنده این ایوان است، و آراینده آن به ماه و آفتاب و ستارگان است، و دارنده دین به پیغمبران

این اثر گرانسنگ و کهن شیعی، یکی از بزرگ‌ترین یادگارهای نثر فصیح ادب فارسی نیز هست. این حقیقت را می‌توان در نگارش روان و شیرینی بیان ابوالفتوح به نظاره نشست. با اینکه بیش از ۹۰۰ سال از زمان تألیف آن می‌گذرد؛ اما فارسی زبانان امروزی نیز به راحتی می‌توانند اکثر واژه‌ها و عبارتهای آن را بفهمند.

شیوه تنظیم

اصولاً شیوه تنظیم تفسیر ابوالفتوح رازی، کلامی - روایی است؛ اما از آنجا که بر جنبه‌های ادبی و واژه‌های قرآنی مانند مباحث لغوی و زبانی، و استشهاد به اشعار عربی برای روشن شدن معانی کلمات و جنبه‌های صرف و نحوی نیز تأکید دارد، خصوصیت ادبی را نیز می‌توان بر آن افزود. روش کار مؤلف، پس از ذکر مقدمه‌ای کوتاه در معانی و اقسام قرآن و بحثی در معنای تفسیر، تأویل و استعاذه، این است که آیه یا آیاتی از هر سوره را به ترتیب، از فاتحه

و امامان است. و درود بر رسول او که ختم پیغمبران است و سید مرسلان است و بر اهل بیت او که ستارگان زمین و پیشوایان دین اند، و بر یاران او، بزرگان و اختیار از مهاجر و انصار.

اما بعد، بدان که قدیم، جلّ و جلاله، از غایت کرم او بر بندگان و حسن نظر و عنایت او به خلقان، در هر وقتی و حینی و عصری، ایشان را فرو نگذاشته از انواع الطاف. و از جمله الطاف، یکی بعث رُسل است و یکی انزال کتب.^(۱)

ابوالفتح، مفسری مطمئن و دانشمندی شیرین کلام است. دقت بی نظیر، نکات پر بار و جامع بودن مطالب، از دیگر ویژگیهای تفسیر اوست. این تفسیر را می توان به عنوان مأخذ و منبع سایر مفسران در قرنهای بعد از او دانست؛ چنان که اگر کسی با دقت بررسی نماید، متوجه می شود که شیخ طبرسی در «مجمع البیان» و فخر رازی در «تفسیر کبیر»، برخی از مطالب

۱. مقدمه تفسیر.

تفسیری خود را از رازی گرفته اند. احیای زبان فارسی، طرح شبهات مخالفین و پاسخ آنان، توجه به نکات تاریخی، فقهی، اخلاقی، تفسیری و ادبی و ذکر فضائل اهل بیت علیهم السلام نشانگر نهایت تلاش رازی در این زمینه ها است. از روز تألیف این تفسیر - در قرن ششم هجری - تاکنون، هیچ قرآن پژوهی بی نیاز از این تفسیر نبوده است.

ابوالفتح انگیزه خود را از تألیف این تفسیر چنین ابراز می دارد:

«چون جماعتی از دوستان و

بزرگان از امثال و اهل علم و تدین، اقتراح (پیشنهاد) کردند که در این باب جمعی باید کردن، چه اصحاب ما را تفسیری نیست مشتمل بر این انواع، واجب دیدم اجابت کردن ایشان و وعده دادن به دو تفسیر: یکی به پارسی و یکی به تازی (عربی). جز اینکه پارسی مقدم شد بر تازی، بر آنکه طالبان این بیش تر بودند و فایده هر کسی بدو عام تر بود.»^(۲)

۲. همان.



اهل سنت در منقول و معقول، از منابع تفسیری شیعه تأثیر پذیرفته‌اند.

بنابراین، چنان که شیعه امامیه در سایر علوم اسلامی نقش رهبری مسلمانان را داشته‌اند، همین طور در علم تفسیر در طول قرنهای متمادی از سایر فرقه‌های مسلمین پیشرو بوده‌اند.^(۳)

«محدث نوری» تفسیر ابوالفتوح را چنین ستوده است:

«تفسیر باشکوه و شگفت آوری است. این کتاب که در یکصد و پنجاه هزار بیت تنظیم شده، گرچه به زبان فارسی نگارش یافته است؛ اما همانند چشمه‌ای گوارا، تشنگان علوم قرآنی را سیراب می‌کند. هر کس آن را بخواند و با «مجمع البیان» مقایسه کند، درمی‌یابد که مجمع البیان چکیده‌اوست.

در یک کلام می‌توان گفت که تفسیر ابوالفتوح، خواننده را خسته نمی‌کند و برای مطالعه کننده ملال آور

وی همچنین در مورد شیوه‌های تفسیری خود می‌گوید:

«این کتاب ان شاء الله از میانه اطناب^(۱) و اختصار بود، اطنابی که مُمِلْ نباشد و اختصاری که مُخِلْ نباشد، و شرط آن است که هر آیتی که بدو رسیم یا هر لفظی و هر قصه‌ای، آنچه شرط است در او گفته شود، و چون آن آیت یا آن لفظ در قرآن مکرر شود، حواله برگرفته کرده شود، و از خدای تعالی توفیق می‌خواهم بر تمام کردن این کتاب و بر هر چه ما را به رضای او نزدیک گرداند.»^(۲)

«میرزا محمد مشهدی» نویسنده تفسیر «کنز الدقائق»، در مورد تفسیر ابوالفتوح رازی می‌نویسد:

«پدید آوردندگان تفاسیر عقیده، مانند فخر رازی، محور کتاب خود را به تفسیر ابوالفتوح رازی نهاده و در تفسیر نکات مهم، به آن رجوع کرده‌اند، و معلوم می‌شود که تا چه اندازه تفاسیر

۳. تفسیر کنز الدقایق، محمد بن محمد رضا قمی مشهدی، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۳۸ ش، ج ۱، ص ۹.

۱. درازگویی، طولانی کردن سخن، مقابل ایجاز.
۲. تفسیر ابوالفتوح رازی، ص ۲، طبع قدیم.

دانشمند بزرگوار، مرحوم مهدی الهی قمش‌های در ده جلد، ۱۳۲۰ ش؛ سوم با تحقیق و تصحیح علامه ابوالحسن شعرانی در دوازده جلد، ۱۳۴۲ ش؛ و چهارم با تصحیح گروهی از محققان به سرپرستی آقایان: دکتر محمد جعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح در بیست جلد، ۱۳۷۵ ش.^(۱)

گفتنی است که در تفسیر ابوالفتوح گاهی روایات ضعیف و مبهم دیده می‌شود که خوشبختانه در چاپ‌های جدیدی که به قلم محققان ارجمند تصحیح شده، این مشکل تا حدودی برطرف شده است.

امتیاز ترجمه ابوالفتوح

اخیراً ترجمه قرآن ابوالفتوح رازی، به طور مستقل و با تصحیح آقای محمد مهیار به علاقه‌مندان زبان فارسی و مطالعات قرآنی عرضه شده است. اگر اندکی دقت شود، معلوم می‌شود که ترجمه آیات قرآنی توسط ابوالفتوح، در میان ترجمه‌های موجود

۲. نشریه ترجمان وحی، ش ۱۰، ص ۱۲۳.

نیست. این تفسیر مانند کوثر زلالی است که جویندگان علم و معرفت از فقیه، مفسر، ادیب، مورخ، واعظ، دوستدار فضائل و مناقب اهل بیت علیهم‌السلام و سایر پژوهشگران گرفته تا مردم عادی را جوابگو است.^(۱)

نسخه‌های قدیم

تفسیر ابوالفتوح تقریباً از زمان حیات مؤلف مورد توجه بوده و مرتب استنساخ و رونویسی شده است. تاکنون ۵۳ نسخه ناقص و کامل از این تفسیر در کتابخانه‌های ایران و دیگر کشورها شناسایی شده که کهن‌ترین آنها دست‌نویس شماره ۱۳۳۶ آستان قدس رضوی، مورخ ربیع الاول ۵۵۶ است.

این اثر سترگ تاکنون چهار بار به دست محققان و عالمان اهل فن، تحقیق و چاپ شده است؛ نخست در عهد قاجاریه توسط تنی چند از اهل فضل، که سرانجام در سال ۱۳۱۵ ش در پنج جلد به چاپ رسید؛ دوم با تحقیق

۱. خاتمه مستدرک، محدث نوری، مؤسسه آل‌البتیت لإحياء التراث، قم، ج اول، ج ۳، ص ۷۲.



امروز، نکات ادبی فراوانی را می آموزد. این ترجمه علاوه بر متن آیات و ترجمه فارسی آن، حاوی ویژگیهای آواشناسی، خصوصیات املائی و رسم الخط، نمونه‌هایی از ترجمه تحت اللفظی، و لغات و ترکیبات ترجمه ابوالفتح رازی است.

در ذیل، سوره «تکائر» را با ترجمه ابوالفتح می خوانیم:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؛ «به نام ایزد بخشاینده بخشایشگر». «أَلْهَيْكُمْ التَّكَاثُرُ»؛ «مشغول بازی کرد شما را فخر به بسیاری». «حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ»؛ «تا زیارت کردید گورستان‌ها را». «كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ»؛ «حقا که بدانید». «ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ»؛ «پس حقا که بدانید». «كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ»؛ «حقا که اگر بدانید دانستن درست». «لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ»؛ «ببینید دوزخ را». «ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ»؛ «پس ببینید آن را به چشم دانش». «ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»؛ «پس بپرسند شما را آن روز از نعمت».

ابوالفتح، مفسری مطمئن و دانشمندی شیرین کلام است. دقت بی نظیر، نکات پر بار و جامع بودن مطالب، از دیگر ویژگیهای تفسیر اوست. این تفسیر را می توان به عنوان مأخذ و منبع سایر مفسران در قرنهای بعد از او دانست

فارسی همچنان پیشرو می باشد. با اینکه بیش از ۸ قرن از قدمت آن می گذرد؛ اما یکی از ترجمه‌های متقن قرآن کریم محسوب می شود.

ترجمه فارسی آیات قرآن در این تفسیر کهن و شیرین، شایسته چاپ مستقل بوده که اخیراً انجام شده است. زبان خاص ابوالفتح رازی - که فارسی منطقه ری در قرن ششم را برای ما بازگو می کند - در مقایسه با زبان فارسی

فروغی از تفسیر ابوالفتوح

الف. توجه به تناسب واژه‌ها

ابوالفتوح در تفسیر خود، معانی واژه‌ها را از بین اقوال مختلف، با تناسب ویژه‌ای انتخاب کرده است؛ به گونه‌ای که فهم آیات را برای مخاطب، آسان و دلپذیر می‌نماید و این، نشانگر تیزبینی و عمق اندیشه این مفسر در فهماندن معانی آیات می‌باشد. به عنوان نمونه، وی در تفسیر آیه اولِ سوره قلم «ن وَ الْقَلَمِ وَ مَا يَسْطُرُونَ»؛ «نون، سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند.» بعد از نقل اقوال مختلف، می‌گوید:

«حسن و ضحاک گفته‌اند: نون دوات است و این روایت یمانی است از عبدالله بن عباس.» آنگاه این معنی را با یکی از اشعار عرب توضیح می‌دهد:

«و قال الشاعر:

إذا ما الشوقُ برَّحَ بي اليهم

لَقَّتْ النونُ بالدَّمعِ السَّجومِ

«وقتی شوق مرا سوی آنان کشاند، دوات خود را با اشک ریزان

اصلاح می‌کنم» و این قول قریب است برای مناسبت.^(۱)

طبق این تفسیر، ترجمه آیه چنین می‌شود: قسم به مُرکَّب و قلم و آنچه از آن تراوش می‌کند.

ب. تبیین جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام

یکی دیگر از امتیازات ابوالفتوح در تفسیر خویش، توجه به آیاتی است که در مورد اهل بیت علیهم‌السلام به‌ویژه امیرمؤمنان علیه‌السلام نازل شده است. وی در توضیح و تفسیر این آیات، به گونه‌ای زیبا از روایاتی بهره می‌گیرد که معمولاً از سوی مخالفان نقل شده است.

۱. مثلاً در تفسیر آیه «سَأَلَّ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ؛ درخواست کننده‌ای، وقوع عذاب را درخواست کرد.» داستان «حارث بن نعمان فهری» را که نمی‌توانست ولایت علی علیه‌السلام را تحمل کند و از خداوند هلاکت خویش را تقاضا نموده و با عذاب آسمانی به هلاکت رسید، از «سفیان بن عیینه» یکی از تفسیر ابوالفتوح، ابوالفتوح حسین بن علی رازی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۱، ص ۲۲۴.



بزد او را کشت و به جای خود آمد.»^(۳)

۳. تفسیر ابوالفتح در آیه «وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ»^(۳) «بدانید که هر آنچه که غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و رسول خدا و صاحبان قرابت (ائمه) است.» می نویسد: «عبدالله بن عباس و مجاهد گفتند: ذو القربی بنو هاشم اند، و این مذهب ماست و روایت اهل البیت. حسن و قتاده گفتند: سهم خدای و رسول و ذوالقربی، امام علیه السلام را باشد، که قایم مقام پیغامبر بود، و این در معنی مثل مذهب ماست.»^(۴)

۴. در تفسیر آیه تطهیر می نویسد: «اخبار متواتر است که مخالف و مؤلف، روایت کردند از طریق مختلف که: مراد به آیت و اشارت در اهل البیت، به علی است و فاطمه و حسن و حسین. همچنین عطیه روایت کرد از ابوسعید الخدری که: رسول صلی الله علیه و آله گفت: این در حق

از راویان مورد قبول اهل سنت، نقل می کند.»^(۱)

۲. وی همچنین در تفسیر «عم یتساءلون»؛ «از چه چیزی می پرسند؟» با نقل روایت از «اصبح بن نباته»، جایگاه علی علیه السلام را در قرآن این گونه تبیین می کند:

«در کارزار بصره با امیرالمؤمنین علیه السلام بودم. سواری از لشکر بصره بیرون آمد و این آیه بخواند، امیرالمؤمنین علیه السلام پیش او رفت و گفت: شناسی آن خبر بزرگ را؟! گفت: نه. گفت: «من آن نبأ بزرگم که در من خلاف کردید؛ لیکن آن که بدانند که من از میان بهشت و دوزخ بایستم و با دوزخ مقاسمه کنم: من می گویم: این تو را و این مرا. او را بگیر که از دشمنان من است و این را دست بدار که از دوستان من است. بدانند که در کنار حوض بایستم و گروهی را از او باز میرانم؛ چنان که در دنیا شتر غریب را از حوض می رانند. و آنکه تیغ برآورد و

۲. همان، ص ۳۷۰.

۳. انقال / ۴۱.

۴. تفسیر ابوالفتح، ج ۹، ص ۱۲۰.

۱. همان، ص ۲۶۱.

از امتیازات ابوالفتح در تفسیر خویش، توجه به آیاتی است که در مورد اهل بیت علیهم السلام به ویژه امیرمؤمنان علیه السلام نازل شده است. وی در توضیح و تفسیر این آیات، به گونه‌ای زیبا از روایاتی بهره می‌گیرد که معمولاً از سوی مخالفان نقل شده است

پنج کس آمد: من، و علی، و فاطمه، و حسن و حسین علیهم السلام.

«عطاء بن ابی رباح» نیز روایت کند که ام سلمه گفت: این آیت در خانه من فرود آمد، و آن، آن بود که: رسول صلی الله علیه و آله در حجره من بود، فاطمه علیها السلام آمد و دیگری آورد و در آنجا حریره بود. رسول صلی الله علیه و آله گفت: برو و علی را بخوان و حسن و

حسین را. او برفت و ایشان را بخواند، و ایشان با رسول صلی الله علیه و آله از آن طعام بخوردند، و رسول صلی الله علیه و آله بر سر گلیمی خیبری نشسته بود. آن گلیم برگرفت و بر ایشان افکند و دست برداشت و گفت: «اللَّهُمَّ اِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ اَهْلَ بَيْتٍ وَ هُوَ لِاَهْلِ بَيْتِي فَادْهَبِ الرَّجْسَ عَنْهُمْ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً! بار خدایا! هر پیامبری را اهل بیتی بوده‌اند، و اینان اهل البیت منند، رجس را از ایشان ببر و پاک کن ایشان را پاک کردنی.» در حال جبرئیل آمد و این آیت آورد: «اِنَّمَّا يَرِيْدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً!»^(۱) «خداوند اراده می‌کند که ناپاکی را از شمال اهل بیت ببرد و شما را پاک و طاهر گرداند.» ام سلمه گفت: من گفتم: یا رسول الله! من نیز با شماام؟ گفت: «اِنَّكَ عَلِيٌّ خَيْرٌ؛ تو بر خیری؛ و لکن اهل البیت من اینانند.»^(۲)

ج. بهره‌گیری از اشعار فارسی

از ویژگیهای این مفسر ارجمند، استفاده از اشعار فارسی است که در

۱. احزاب/۳۳.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۴۱۸.



اثبات می‌کند. از جمله موضوعات مورد بحث وی، «تقیّه» می‌باشد. تقیّه یکی از باورهای کلامی و فقهی شیعه و برگرفته از معارف قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام است. گرچه این رفتار احتیاط آمیز در تاریخ اسلام فقط منحصر به شیعه نبوده و طبق نوشته طبری، در وقایع سال ۲۱۸ ق. و در ماجرای محنه^(۳) و طرح تفتیش عقایدی که مأمون عباسی به راه انداخته بود، جز «احمد بن حنبل» و یکی دو تن دیگر، همه دانشمندان، رجال و علمای اهل سنت باورهای خود را پنهان کرده و از روی تقیّه تسلیم شدند؛ اما با این حال این عملکرد را به شیعه نسبت داده و طعنه زده‌اند. ابوالفتوح در ذیل آیه «...»

توضیح آیات قرآنی گاهی از آنها بهره می‌برد. این شیوه علاوه بر جذابیت خاصی که به تفسیر بخشیده، در حفظ زبان و ادب فارسی نقشی به‌سزا داشته است. او در تفسیر سوره یوسف، آیه «فَلَمَّا كَلَمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ»^(۱) «پس هنگامی که با او صحبت کرد، ملک گفت که امروز تو در نزد ما با منزلت و امانتدار هستی.» چنین می‌نویسد: «چون یوسف بیامد و ملک با او سخن گفت، از او مایه علم او بشناخت و پایه قدر او بدانست و از آنجا امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه‌السلام گفت که: «الْمَرْءُ مَحْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ؛ [شخصیت] مرد، زیر زبان او پنهان است». شاعر پارسیان:

مرد، زیر زبان بود پنهان

سایر است این مثل به گرد جهان^(۲)

د. دفاع از مکتب کلامی و فقهی تشیع

ابوالفتوح در فرصتهای مناسب، اندیشه‌های کلامی و فقهی تشیع را مطرح کرده و با دلایل عقلی و نقلی آن را

۱. یوسف / ۵۴.

۲. تفسیر ابوالفتوح، ذیل آیه ۵۴، سوره یوسف.

۳. مأمون در سال ۲۱۸ فرمانی برای «اسحاق بن ابراهیم» صادر کرد که: باید قاضیان و گواهان و محدثان را به قرآن آزمایش کنند؛ هر کس قرآن را مخلوق داند رها سازند و هر که جز آن گوید به وی گزارش دهد، تا رأی خود را درباره او بفرماید. گروهی از روی عقیده یا بیم و ترس به مخلوق بودن قرآن گواهی دادند و گروهی که آن را مخلوق ندانستند یا سکوت کردند، گرفتار شکنجه‌ها شده یا به قتل رسیدند و این امر تا ایام متوکل ادامه داشت.

إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً...»^(۱) «... مگر اینکه از آنها بترسید...» می‌نویسد:

«خدای تعالی مؤمنان را نهی کرد از آنکه با کافران موالات و مصافات کنند؛ الا در حالی که کافران را قوتی باشد و مسلمانان را ضعفی. آن گه اظهار موذت و موافقت کنند و با ایشان بسازند برای دفع مضرت، و این حدیث در عقل مقرر است و در شرع. قرآن مجید به آن ناطق است و در صحابه، جماعتی بر آن عمل کردند، چون عمار یاسر[ؓ].

و این از جمله آن است که مخالفان بر ما عیب کنند و طعن زنند؛ اعنی تقیه، و فرمان خدای تعالی در این آیه بدو ناطق و در عقل واجب، پس طعن بر این طاعن است. تدبر عقل، شرع، قرآن، اخبار و صحابه رسول^ﷺ و صادق[ؑ] را از تقیه پرسیدند: گفت: «إِنَّ التَّقِيَةَ دِينِي وَ دِينُ آبَائِي؛ تقیه، دین من است و دین پدران من.» و از پدران او یکی پیغامبر است^ﷺ، مخالف دین ایشان

همانا نکو نباشد.»^(۲)

مؤلف

«جمال الدین حسین بن علی نیشابوری»، معروف به ابوالفتح رازی خزاعی، مفسر نامدار شیعه، در حدود سال ۴۷۰.ق در شهر ری متولد شد. وی پس از گذراندن دوران کودکی و نوجوانی، به تحصیل علوم رایج عصر خویش پرداخته و در اثر ذوق و استعداد سرشار و کوشش مداوم در فراگیری دانش، در اندک زمانی سرآمد دانشمندان عصر خود در علم کلام، فقه، ادب، تفسیر، و عظم و خطابه گردید و به عنوان دانشوری بی‌بدیل مطرح شد.

تبار این مفسر

سلسله نسب ابوالفتح رازی به قبیله «خزاعه» می‌رسد. در طول تاریخ، این خاندان از برجسته‌ترین دوستان اهل بیت[ؑ] بوده‌اند؛ تا آنجا که معاویه گفته است: «مَحَبَّتِ قَبِيلَةِ بَنِي خَزَاعَةَ نَسَبٌ بِيَّ عَلِيٍّ[ؑ]؛ به حدی است که اگر زنانشان فرصت می‌یافتند، با ما می‌جنگیدند تا

۲. تفسیر ابوالفتح، ذیل همان آیه.



رسید. (۳) ابوالفتوح در تفسیر سوره فتح می‌گوید: «بدیل بن ورقاء خزاعی، از پدران ماست.» (۴)

وی در تفسیر آیه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا»^(۵) «کسانی که در راه خدا به قتل رسیده‌اند را مرده نپندارید.» با اشاره به شأن نزول آن - که در مورد شهدای بئر معونه نازل شده است - نافع بن بدیل بن ورقاء خزاعی را در ردیف این شهدا نامبرده و تصریح می‌کند که: «این مرد، از پدران ماست.» همچنین فرزندان دیگر بدیل، به نامهای «محمد و عبدالرحمن و عبدالله»

در جنگ صفین و در رکاب حضرت علی^(ع) در سال ۳۷ ق. به شهادت

می‌رفتند، در اثر توطئه ناجوانمردانه‌ای در منطقه «بئر معونه» به طرز فجیعی به شهادت رسیدند و حادثه شهادت آنها موجب تأثر شدید پیغمبر اکرم^(ص) گردید.»

۲. الغدیر، علامه عبدالحسین امینی، دارالکتب العربی، ج ۲، ص ۳۶۴؛ اسد الغابه، عزالدین علی بن عبدالواحد بن اثیر شیبانی، نشر اسماعیلیان، ج ۵، ص ۷.

۳. تفسیره سوره فتح/ ۲۵.

۴. آل عمران/ ۱۶۹.

از ویژگیهای این مفسر ارجمند، استفاده از اشعار فارسی است که در توضیح آیات قرآنی گاهی از آنها بهره می‌برد. این شیوه علاوه بر جذابیت خاصی که به تفسیر بخشیده، در حفظ زبان و ادب فارسی نقشی به‌سزا داشته است

چه رسد به مردان ایشان!

جدّ اعلای ابوالفتوح، «بدیل خزاعی» است. همچنین فرزند بدیل «نافع خزاعی»، از اصحاب معروف رسول الله^(ص) است. و به عنوان معلّم قرآن از طرف پیامبر^(ص) در سال چهارم هجرت به منطقه نجد اعزام شده بود و در فاجعه «بئر معونه»^(۱) به شهادت

۱. فاجعه بئر معونه، طبق نوشته ابوالفتوح و مطابق سایر تواریخ اسلامی، چنین است که: «هنگامی که ۷۰ نفر از بزرگان صحابه برای تبلیغ اهل نجد

رسیدند.^(۱)

محضر اساتید متعددی زانوی ادب زده و بهره‌های فراوان برده است. برخی از اساتید وی عبارتند از:

۱. علی بن محمد نیشابوری رازی (پدر بزرگوار ابوالفتوح رازی)؛ وی دارای تألیفاتی همچون «مسائل المعدوم» و «دقایق الحقایق» می‌باشد. شیخ علی رازی علاوه بر فرزندش، استاد سایر علمای عصر خویش نیز به شمار می‌آید.^(۲)

۲. عبدالرحمن خزاعی نیشابوری؛ وی عموی بزرگ ابوالفتوح و پدید آورنده آثار «سفینة النجاة»، «الرضویات» و «مختصرات فی الزواجر و المواعظ» است.

۳. شیخ عبدالجبار بن مقری رازی، معروف به مفید رازی؛ وی در شهر ری مدرسه‌ای داشت و در سال ۴۵۵ق از استادش، شیخ طوسی، اجازه روایت کتاب «التبیان» را گرفت.

۳. الذریعة الی تصانیف الشیعة، شیخ آقا بزرگ تهرانی، اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۳۸ و ج ۸، ص ۲۳۴.

جدّ ابوالفتوح، «محمد بن احمد نیشابوری» صاحب کتاب «روضه الزهراء» و عموی پدرش «شیخ عبدالرحمن» صاحب کتاب «سفینة النجاة» از دانشمندان برجسته شیعی بوده‌اند. پسرش «شیخ تاج الدین محمد» و خواهر زاده وی، «فخرالدین احمد» نیز از علمای عصر خود به شمار می‌آمدند. ملاحظه می‌شود، چهره‌های برجسته خاندان ابوالفتوح رازی از تاریخ صدر اسلام تاکنون، همانند ستارگان فروزان، در آسمان علم، تقوا و فضیلت پرتو افشانی می‌کنند.^(۳)

با توجه به عشق و علاقه‌ای که رازی به تحصیل علوم و معارف اسلامی داشته، برای کسب فضایل علمی، در

۱. تهذیب الکمال، ابوالحجاج یوسف مزی، مؤسسة الرسالة، ج ۲۴، ص ۴۵؛ النص والاجتهاد، سید شرف الدین عاملی، نشر ابومجتبی، قم، ۱۴۰۴ ق، ص ۵۰۲؛ میزان الاعتدال فی نقد الرجال، محمد بن احمد بن عثمان، دارالمعرفة، ج ۲، ص ۳۹۵.
۲. اعیان الشیعة، سید محسن امین، نشر دارالتعارف، ج ۶، ص ۱۲۵.



تفسیر خود از تفسیر «کشاف» زمخشری مطلبی نقل نکرده است؛ زیرا تفاسیر «ابوالفتوح»، «کشاف» و «مجمع البیان» تقریباً در یک زمان تألیف شده‌اند.^(۲)

این دانشمند گرانمایه بعد از تحصیل علوم مختلف، اندوخته‌های علمی خود را با اخلاص تمام به مشتاقان معارف عرضه نموده است؛ از جمله دانش اندوزان مکتب وی افراد زیر می‌باشند:

۱. شیخ رشید الدین محمد بن شهر آشوب مازندرانی (۴۸۹ - ۵۸۸ ق)؛ وی در علوم فقه، حدیث، تفسیر، ادب، شعر و رجال اطلاعات وسیعی داشته و جامع کمالات، هنرها، و فضیلتهاست؛ بدین جهت، حتی از سوی مخالفان و بیگانگان نیز مورد احترام و تعظیم بوده است. ابن شهر آشوب در سفرهای علمی خویش، به شهر ری وارد شده و مدتی از ابوالفتوح رازی استفاده کرده است. وی در کتاب «معالم العلماء» از استاد خود چنین یاد می‌کند:

۲. مقدمه تفسیر ابوالفتوح.

۴. شیخ ابوعلی حسن بن محمد طوسی (فرزند شیخ طوسی)؛ وی یکی از استادان مُبَرِّز ابوالفتوح است. او را مفید ثانی نیز می‌گفتند. ابوالفتوح قبل از سال ۵۰۰ ق در عراق به محضر وی رسیده است.

۵. قاضی عماد الدین حسن بن محمد استرآبادی؛ وی که قاضی ری بود، از استادان «ابن شهر آشوب» و «شیخ منتجب الدین» نیز محسوب می‌شود.

۶. ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری، معروف به جارالله (۵۳۸ - ۶۱۷ ق)؛ وی استاد غیر شیعی ابوالفتوح به شمار می‌آید و مؤلف تفسیر معروف «کشاف» است و از مذهب حنفی معتزلی پیروی می‌کرده است. ابوالفتوح در تفسیر آیه «الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا»^(۱) «همان کسی که از درخت سبز، آتش را برای شما قرار داد.» از زمخشری به عنوان استاد خود یاد کرده است؛ البته ابوالفتوح در

۱. یس/ ۸۰.

«استاد من، شیخ ابوالفتوح بن علی رازی، دانشمند گرانمایه‌ای است که کتاب «شرح شهاب» و «روح الجنان» در تفسیر قرآن را نوشته است. این تفسیر به زبان فارسی است؛ اما بی نظیر و شگفت‌انگیز می‌باشد.»^(۱)

۲. شیخ منتجب الدین علی بن بابویه رازی؛ وی از دانشمندان بلندپایه و از نویسندگان پرمایه قرن ششم هجری، و از نوادگان برادر شیخ صدوق می‌باشد. منتجب الدین با تألیف مشهورترین اثر خود به نام «فهرست علمای شیعه»، حق بزرگی را بر گردن پیروان این مذهب گذاشته و به این وسیله، نام نیک گروهی از برجستگان علمای شیعه و زعمای اسلام را در صفحه روزگار زنده نگه داشت، تا آنجایی که تمام شخصیت نگاران و تراجم نویسان ممتاز، بعد از قرن ششم هجری، از این کتاب کمال بهره را برده‌اند.

متتجب الدین در «فهرست» خود، بارها از استادش تجلیل به عمل آورده است. وی در بخشی از کتاب خود استادش را چنین می‌ستاید: «استاد و پیشوای شیعیان، ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد خزاعی رازی، دانشمندی مفسر و واعظی پارسا بود. وی دارای آثار متعددی است که از جمله آنها، تفسیر «روض الجنان» در تفسیر قرآن و «روح الاحباب در شرح شهاب» است. من هر دو کتاب را بر این استادم قرائت کرده‌ام.»^(۲)

۳. شیخ عبدالله بن حمزه طوسی معروف به ابن حمزه فقیه؛ وی از شاگردان ممتاز ابوالفتوح به شمار می‌رود. کتاب «الوافی بکلام المثبت و النافی» از تألیفات این فقیه است. لازم به ذکر است، این سه نفر از استاد خویش اجازه روایتی نیز داشته‌اند.

۴. سید شریف عزالدین شرفشاه افطسی نیشابوری؛ او دارای کتابی به

۲. رک: الفهرست، ص ۴۸.

۱. معالم العلماء، محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی، منشورات المطبعة الحیدریة، نجف اشرف، ۱۳۸۰ ق، ص ۱۴۷.



نام «النظم و النثر الرائق» می باشد، و

آرامگاهش در نجف است.^(۱)

۵. تاج الدین محمد بن حسین،

فرزند ابوالفتح.

آثار پر بار علمی رازی

وی علاوه بر تفسیر ارزشمند

خویش، آثار گرانقدری را از خود بر

جای گذاشته است که برخی از آنان

عبارتند از:

۱. مناظره حُسنیه؛ که مناظره

دختری تحصیل کرده به نام حسنیه،

معاصر هارون الرشید است. این کتاب

به زبان فارسی و در ردّ اهل سنت نوشته

شده و بارها همراه «حلیه المتقین» علامه

مجلسی و یا مستقل چاپ شده است.

۲. روح الاحباب و روح الالباب

فی شرح الشهاب؛ شرحی است بر

«شهاب الاخبار» از قاضی قضاعی

شافعی، و موضوع آن، در حکم و امثال

است. این کتاب یکی از مدارک «بحار

الانوار» است.

۳. کتاب یوحنا؛ که از زبان یک

نفر مسیحی به نام یوحنا و در مسئله

امامت و ردّ مذهب عامّه نوشته شده

است.

۴. منهاج المناهج؛ در تحقیق

مذاهب اربعه و اثبات امامت.

۵. رساله اجازة؛ که در تاریخ

۵۵۲ ق نگارش یافته است.

۶. تفسیر قرآن؛ به زبان عربی.

۷. تبصرة العوام فی معرفة مقالات

الانام؛ به زبان فارسی است و ابوالفتح

در بخشی از آن، اندیشه های حسین بن

منصور حلاج را نقد کرده و در بابهای

دیگر، از نسبتهای ناروا به شیعه جواب

داده و از تشییع دفاع کرده است. علامه

سید محسن امین این کتاب را در

کتابخانه شهید شیخ فضل الله نوری در

تهران دیده است.

رازی از منظر اهل نظر

۱. علامه شهید قاضی نورالله

شوشتری در کتاب «مجالس المؤمنین»

۱. الذریعة، ج ۲۵، ص ۱۶؛ ریحانة الادب فی

تراجم المعروفین بالکنیة واللقب، میرزا محمدعلی

مدرس، کتابفروشی خیام، تهران، ج ۸، ص ۲۲۷.

بارزی است که در زندگی این مرد به چشم می‌خورد و هر که تفسیر مشهور وی را ملاحظه کند، به این حقیقت پی می‌برد.

از تفسیر وزین وی چنین برمی‌آید که او معاصر کشف بوده و بعضی از ابیات آن را دیده است؛ اما اصل کتاب کشف را بعد از تألیف، مشاهده نکرده است.^(۱)

۲. میرزا محمد باقر خوانساری، شخصیت نگار معروف شیعی: «حسین بن علی خزاعی معروف به شیخ ابوالفتوح رازی، مؤلف تفسیر مشهور فارسی، از دانشمندان شناخته شده تفسیر و علم کلام است. او از ماهرترین و بزرگ‌ترین علمای ادب و از روایان سرشناس علم حدیث می‌باشد.»^(۲)

۳. میرزا حسین نوری، محدث، فقیه، و رجال شناس متبحر: «استاد و

۱. مجالس المؤمنین فی أحوال المشاهیر من شیعة أمير المؤمنين علیه السلام، قاضی نورالله شوشتری، ص ۴۸۹.

۲. روضات الجنات، محمد باقر خوانساری، نشر اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۰ ق، ج ۲، ص ۳۱۴.

این اثر گرانسنگ و کهن شیعی، یکی از بزرگ‌ترین یادگارهای نثر فصیح ادب فارسی نیز هست. این حقیقت را می‌توان در نگارش روان و شیرینی بیان ابوالفتوح به نظاره نشست. با اینکه پیش از ۹۰۰ سال از زمان تألیف آن می‌گذرد؛ اما فارسی زبانان امروزی نیز به راحتی می‌توانند اکثر واژه‌ها و عبارتهای آن را بفهمند

در مورد ابوالفتوح می‌نویسد: «نشانه‌های فضل و کمال و تلاش‌های نیکوی وی در تفسیر کتاب خداوند و باطل نمودن شبهات و تردیدهای مخالفین، از نکات



۵. «قاضی نورالله شوشتری» نیز در مورد جلالت خاندان ابوالفتوح رازی می‌گوید: «او از خاندان جلالت و فضیلت است و از ذریه بدیل بن ورقاء خزاعی، که از یاران خاص پیامبر اکرم ﷺ بوده است. اساساً قبیله خزاعه در طول تاریخ، از شیعیان خالص اهل بیت ﷺ بوده‌اند.»^(۳)

رحلت

بر اساس شواهد موجود، ابوالفتوح در سال ۵۵۶ ق. وفات یافته است و طبق وصیتش در شهر ری و در صحن حضرت امامزاده حمزه بن موسی بن جعفر علیه السلام، در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام و در زاویه شمالی آن مدفون شده است.^(۴)

پیشوای مفسرین، ترجمان کلام الهی، جمال الدین ابوالفتوح حسین بن علی خزاعی رازی، مشهور به ابوالفتوح رازی، دانشمندی فاضل، فقیهی مفسر، و ادیبی مطلع بوده و در کسب علم به درجات کمال نایل شده بود. نسب شریف او به «عبدالله بن بدیل بن ورقاء خزاعی»، فرزند یکی از اصحاب رسول الله ﷺ می‌رسد.^(۱)

۴. «علامه سید محسن امین» در مورد خاندان ابوالفتوح، می‌نویسد: «وی (ابوالفتوح) و پسرش، تاج الدین محمد و پدرش، علی بن محمد و جدش و جدّ اعلائی وی، شیخ ابوبکر احمد، و عموی بزرگش، شیخ عبدالرحمن بن ابی بکر، همه از دانشمندان نامدار امامیه می‌باشند. و خلاصه، این سلسله معروف در میان علمای شیعه، جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند و تألیفات پر بار و کتابهای متعددی را از خود به یادگار گذاشته‌اند.»^(۲)

۱. خاتمه مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، طبع قدیم، ج ۳، ص ۷۲.
۲. اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۱۲۵.

۳. همان.

۴. ریحانة الأدب، محمد علی مدرس، کتابفروشی خیام، تهران، ج ۸، ص ۲۲۹.